

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

خارنوال

اگر قاضی قلم بر دست بگرفت
سیاست را به بند و بست بگرفت
به (بوش) و (بلیز) و (پوتین) و (کرزی)
همیشه پشت ایشان شست بگرفت
ز ریش طالب و ، شاگرد ملا
به تحت کوسه ها پیوست بگرفت
ز خارنوال ناشسته حکایت
که اصل و فرع دین را پست بگرفت
امام مسجد است و ، لیک درسی
ز شیطان لعین گشت بگرفت
دبَل حاجی ، همی از پول صوفی
ز شهرت مست گشت و هست بگرفت
به نفع خود کند تفسیر آیات
چو مغز گنده اش انفست بگرفت
چلم گر پُر شدی از چرس و تریاک
زمین و آسمان را مست بگرفت
وگر شاعر نمودی شکوه آغاز
مس زنگی ز شعرش جست بگرفت
کنم افشاء به عالم کسب حاجی
تجارب بعد ازین ، اشکست بگرفت
بیا «نعمت» ز چرس و بنگ بگذر
مبادا قسمتت ، پیخست بگرفت

شرح لغات :

گست = زشت و بد قواره
انفست = تار عنكبوت (تار جولا)
پیخست = لگد کوب ، پایمال